

معمای ۲۲ تبصره‌ای دولت

۴ دولت نرخ مؤثر دلار را در بودجه پنج‌هزارو ۸۰۰ تومان (با توجه به وجود دو نرخ دلار یعنی چهارهزارو ۲۰۰ برای کالای اساسی و هشت هزار تومان برای سایر کالاها) در نظر گرفته است. این موضوع دست دولت را برای محاسبه نرخ دلار باز نمی‌گذارد؟

اعدادی که می‌گویند در بودجه مصوب نمی‌شود. این عدد را محاسبه می‌کنند. تعدادی بشکه نفت که مدنظرشان هست در نرخ مؤثر ضرب می‌کنند و می‌گویند از نفت به میزان ۱۴۰ هزار میلیارد تومان استفاده کردیم. دیگر نمی‌گویند چند بشکه با چه نرخ‌ی حساب کردیم. چون ذکر نمی‌شود عملاً همیشه دست دولت باز بوده است. به نظر من اصولا دولت فارغ از مباحث بودجه‌ای با بازار ارز مواجه می‌شود. نرخ آن را افزایش می‌دهد یا مشمول تغییراتی می‌کند. داستان ارز قصه مفصل دیگری دارد. بهتر است با بحث بودجه متداخل نشود. چیزی به نام نرخ مؤثر در محاسبات به صورت غیرمستقیم وارد می‌شود اما در بودجه نامی از آن نمی‌برند.

۴ به نظر شما دولت یازدهم و دوازدهم در شفافیت بودجه گامی برداشته است یا در بر همان پاشنه قبلی می‌چرخد؟

دو نکته را می‌توان در این زمینه مطرح کرد. ضمن اینکه باید بگویم هر دولتی در صفحات گوناگون پنج جلد کتاب بودجه که به مجلس تقدیم می‌کند، ممکن است تغییراتی داشته باشد که مثبت تلقی می‌شود و به اندازه خودش باید از آن بابت خرسند بود، آوردن جدولی که در آن به صورت شفاف گفته باشد دولت این میزان پارانه می‌گیرد و مصروف این کارها می‌کنند، بدیهی است کار مثبتی است و هر منصفی می‌گوید که این کار، اقدام خوبی است منتها بودجه چیزی نیست که با یک جدول و دو صفحه مطلب اصلاحی که ممکن است در آن وجود داشته باشد، بتواند کلیت خود را خوب جلوه دهد. در بودجه‌های ما اصولا مسائل غیشفاف است و در گذر زمان در دولت‌های مختلف این شفاف‌نیودن و ابهام رشد کرده است. یک دلیل مبنی بر اینکه در دولت یازدهم و دوازدهم بودجه غیشفاف‌تر شده است، این بوده که مشکلاتی که در گذشته در لوایح بودجه وجود داشته، چون روی هم جمع و مترکم شده، تنظیم بودجه را سخت‌تر کرده است. من با هر نگاهی که لایحه بودجه را بررسی می‌کنم با اینکه شاید دستی در این کار نداشته باشم و بنا به تجربه‌ای که داشته‌ام بودجه را بفهمم، اضافه‌ا لایحه بودجه سال ۹۸ تا ۱۳ خیلی مبهم‌تر و غیشفاف‌تر از حتی لایحه سال قبل می‌بینم. یک دلیل برای اینکه دولت نمی‌تواند لایحه بودجه شفاف‌تری بنویسد این است که تفکر عمده مسئولانی که در این دولت بوده‌ی می‌نویسند همچون سال‌های گذشته یعنی زمانی که وزیر یا نماینده مجلس بودند همچنان در ساختار بودجه‌های ایران حیات دارد و مشمول هیچ تغییری نشده است. به عبارت دیگر، این افراد در سال‌های گذشته، با اینکه بعضی از مقاماتشان در بدنه دولت هم نبودند در مجلس و نهادهای دیگر طرفدار تبصره‌نویسی و همین شیوه‌ای بودند که در حال حاضر وجود دارد. مدتی هست که می‌گوید جاقو دسته خود را نمی‌برد.

از این تیم اقتصادی انتظار این را که بودجه شفاف‌ی بنویسد، نمی‌توان داشت زیرا گذشته این افراد و تفکرشان نشان می‌دهد که همین اندازه را از بودجه‌نویسی، بلد هستند. مسائلی مثل قرض، به‌ویژه تحت عنوان فروش اوراق بهادار اسلامی، به قدری به نیاز کشور تبدیل شده است که به نظر من دولت ناچار است مبهم بنویسد. خواستم بگویم با توجه به اینکه ممکن است چهار نکته مثبت و شفاف در بودجه وجود داشته باشد اما در مجموع این لایحه جامع عدم شفافیت‌های مترکم‌شده بودجه‌های گذشته و مجالس گذشته و مجلسی‌که اعضای همین دولت در آن بسیار نقش‌آفرین بوده‌اند، است. بنابراین ساده‌انگاری است که بودجه برخی از دستگاه‌ها از طرف بخش‌های سیاسی، عمدتا بسته به اینکه آن بخش‌ها طرفدار چه گروه‌هایی باشند، پررنگ جلوه داده می‌شود و نام آن شفافیت گذاشته می‌شود. مثلا گروه‌های اصلاح‌طلب بودجه مؤسسات دینی و حوزه‌های علمیه را می‌گیرند و در مقایسه با بودجه غذا، بهداشت و درمان ... مقایسه می‌کنند و می‌گویند ببینید چقدر به حوزه‌ها توجه شده است. یا برخی گروه‌های اصولگرا بودجه‌های وزارتخانه‌هایی مثل جوانان و... و دانشگاه‌ها را می‌گیرند و می‌گویند ببینید چقدر به این مجموعه‌ها توجه شده است و عده‌ای چون در گذشته به کتاب‌های بودجه سر نمی‌زدند، همین ارقام منتشرشده را به‌مثابه شفافیت بودجه قلمداد می‌کنند در صورتی که این ارقام همواره در کتاب‌های بودجه سنوات گذشته وجود داشته است و کسی به آنها سر نمی‌زده یا فضای مجازی کمتر بستر انتشار این ارقام بوده است. عرض من این است که ضمن اینکه اکاهی مردم از این ارقام خوب است، نباید شفافیت را در حد بیان سیاسی این موارد تقلیل داد.

تبنا جعفرزاده: ایران یار دیگر طعم تلخ تحریم‌ها

را در کام خود حس کرد؛ طعم تلخی که بسیاری از دست‌اندرکاران عالی‌رتبه دولت در دوره نخست تحریم‌ها از آن به‌مثابه فرصتی دوباره برای حیات و تجدید قوای صنایع و اقتصاد کشورمان یاد می‌کردند؛ رؤیایی که البته هیچ‌گاه نتوانست صورت واقعیت به خود بگیرد.

۱۸ اردیبهشت ۱۳۹۷، رئیس‌جمهوری ایالات متحده رسماً اعلام کرد آمریکا از توافق جامع هسته‌ای ۱۳۹۴ با ایران خارج شده است. این خبر از آغاز دور تازه‌ای از تحریم‌ها علیه کشورمان حکایت داشت؛ تحریم‌هایی که عوارض مخرب آن پیش از همه دامن صنعت نفت کشورمان را گرفت.

صنعت نفت به‌مدد دغدغه‌های مداوم و شبانه‌روزی دلواپسان در دوران پسارجام، هر روز با سد بزرگی از و اگر‌ها مواجه می‌شد و برای تحقق رسالت ملی خود در توسعه میدان‌های نفتی و گازی و افزایش سهم ایران از بازارهای بین‌المللی انرژی، ناچار بود با مخالفانی که در کسوت دلسوزان نظام هر روز سنگ تازه‌ای پیش پای آن می‌انداختند، مبارزه کند.

اوج این سنگ‌اندازی‌ها در تصویب صورت جدید قراردادهای نفتی بود که در آن مشارکت شرکت‌های معتبر بین‌المللی با دو هدف عمده بهره‌مندی از سرمایه خارجی و انتقال دانش فنی به صنعت نفت کشورمان انجام شد. اگرچه وزارت نفت در نهایت توانست حقانیت و توجه به منافع ملی در این قراردادها را اثبات و مجوزهای لازم برای به‌کارگیری این قراردادها را اخذ کند، اما این مصوبه مانند نوش‌دارویی پس از مرگ سهراب بود، چراکه مدت کوتاهی پس از تصویب قراردادها، چندین صنعت نفت و درستی در زمانی که می‌رفت تا با بازشدن باب مشارکت بین‌المللی، جان تازه‌ای به کالبد صنعت نفت کشورمان وارد شود، بار دیگر تندباد تحریم‌های آمریکایی وزیدن گرفت و دست صنعت نفت ایران از همکاری مشترک با برندهای معتبر جهانی کوتاه شد.

در فاصله‌ی این اتفاقات، بار دیگر فضا برای بازی‌های سیاسی برخی فراهم شد. دلواپسان مخالف دولت بار دیگر این فرصت را یافتند تا بدون اشاره به سنگ‌اندازی‌ها و فرصت‌سوزی‌های خود در به‌تأخررسیدن طرح‌های توسعه‌ای صنعت نفت که ضررهای میلیارددلاری را به ملت ایران تحمیل کرد، دستاوردهای وزارت نفت را در دوره پسارجام به باد انتقاد بگیرند.

از جمله مسائلی که دستاویز بسیاری از تریبون‌های این جناح قرار گرفت، قرارداد ۴۰۸ میلیارددلاری توسعه فاز ۱۱ میدان مشترک گازی پارس جنوبی بود که قرار بود با راهبری توتال و در قالب کنسرسیومی متشکل از این شرکت فرانسوی با «سی‌ان‌پی‌سی» چین و پتروپارس ایران به سرانجام برسد.

قراردادی که بنا بر نقشه راه اولیه، متضمن سرمایه‌گذاری توتال و انتقال دانش فنی به داخل کشور بود و با اتمام طرح توسعه‌ای فاز ۱۱، عوایدی میلیاردی برای کشورمان به همراه داشت.

مطالبه‌گرانی با کارنامه نه چندان قابل قبول

در این میان، علاوه بر رسانه‌ها، برخی از پیمانکاران همسو با منتقدان همیشه در صحنه نیز به میدان آمدند و تیغ تیز انتقادها را بر قلب صنعت نفت کشورمان وارد کردند. از آن جمله، اظهارات مدیرعامل بزرگ‌ترین پیمانکار صنعت نفت کشورمان در دور نخست تحریم‌ها بود؛ او ضمن انتقاد از عملکرد وزارت نفت در همکاری مشترک با شرکت توتال در توسعه فاز ۱۱، مدعی شده بود که شرکت متبوعش در تمامی بخش‌های صنعت نفت و پروژه‌های عمرانی به خودکفایی رسیده است و دلیلی برای حضور شرکت‌های خارجی مانند توتال وجود نداشته و ندارد.

اعتراضاتی که نقطه ابتدایی آن تنها سه روز پس از انعقاد پیمانکاری قرارداد جدید نفتی ایران برای توسعه فاز ۱۱ پارس جنوبی شکل گرفت و در آن مدیرعامل این شرکت بزرگ پیمانکاری که نبض بسیاری از پروژه‌های اقتصادی کشورمان را نیز در اختیار دارد، گلهمند از دولت و رئیس‌جمهور، اظهار کرده بود که ناپدیدگرفتن توان داخلی در این قرارداد، غیرمنصفانه بوده است.

پس این اعتراض‌ها پس از اعمال این شرکت در جدید تحریم‌ها و انصراف شرکت توتال از قرارداد توسعه فاز ۱۱ گسترش بیشتری یافت و خروج این شرکت صاحب‌نام فرانسوی از صنعت نفت ایران، راه را برای انتقادهای تند و گوینده دیگر از وزارت نفت هموار کرد، اما اینکه آیا شرکت‌های ایرانی به‌تنهایی امکان دراختیارگرفتن مکاپروژه‌های صنعت نفت را دارند یا خیر، پاسخی است که با نگاهی دقیق‌تر به سابقه حضور این شرکت بزرگ پیمانکاری در صنعت نفت ایران (به‌عنوان مثنی نمونه خروار) به آن می‌رسیم؛ به‌ویژه که این شرکت با قدرت بالایی که به‌مدد فعالیت‌های اقتصادی در دو دهه اخیر به آن دست یافته، همواره از امکانات غیرقابل قیاسی با دیگر پیمانکاران نیز برخوردار بوده است.

بعد از به‌نتیجه‌رسیدن قرارداد دوهزارو ۱۲ میلیون دلاری توسعه فازهای ۲ و ۳ پارس جنوبی از سوی توتال در بهمن ۱۳۸۱ که مبدأ شکل‌گیری فازهای پارس جنوبی و تولید دانش و فناوری در توسعه این میدان مشترک با قطر بود، اوایل تیر ۱۳۸۵ قرارداد توسعه فازهای ۱۵ و ۱۶ با قرارگاه سازندگی خاتم‌الانبیا امضا شد؛ قراردادی که با چیزی در حدود پنج سال تأخیر، اجرای آن تا سال ۱۳۹۴ به طول انجامید و در این ۹ سال، میلیاردها دلار سرمایه ایران با برداشت گاز از سوی طرف قطری به باد رفت. از سوی دیگر بخش عمده‌ای از محصولات فرعی تولیدی این فاز قرار بود به‌عنوان خوراک پتروشیمی‌های داخلی به مصرف برسد که با تزیق‌نشدن به‌موقع منابع، ضمن عقب‌افتادگی ایران از قافله تجارت جهانی پتروشیمی و

اقتصاد

«شرق» نفع یا عدم‌النفع واگذاری پروژه‌ها به پیمانکاران ایرانی را بررسی می‌کند

زمزمه‌های سهم‌خواهی دلواپسان از صنعت نفت



عکس: فواد افشاری، تسنیم

بوده است که ساخت سکویی برای مقابله با افت فشار برداشت گاز از میدان پارس جنوبی در دستور کار قرار بگیرد.

۴- تأمین سرمایه مورد نیاز برای اجرای این پروژه از بخش داخلی غیرممکن بوده است؛ به گفته بسیاری از کارشناسان در ایران هیچ شرکتی توان تأمین حتی نیمی از ۴۰۸ میلیارد دلار سرمایه مورد نیاز طرح توسعه فاز ۱۱ را نداشته و ندارد. این در حالی است که برنامه توسعه‌ای وزارت نفت تنها محدود به این پروژه نمی‌شد و برای اجرای تمامی طرح‌های توسعه‌ای به میلیاردها دلار سرمایه‌گذاری نیاز بوده است که امکان تأمین از بخش داخلی را نداشت.

۵- تمهیدات دولت درخصوص به‌کارگیری حداکثری شرکت‌های خارجی در پروژه‌های بزرگ کشور، از بعد سیاسی نیز اهمیت زیادی داشته است. در صورتی‌که برنامه وزارت نفت برای امضای پنج قرارداد با مشارکت شرکت‌های تراز اول صنعت نفت جهان در سال گذشته محقق می‌شد، امکان اعمال تحریم‌ها از سوی آمریکا به شکل کنونی تقریباً غیرممکن می‌شد.

۶- توتال در اجرای قرارداد فاز ۱۱، متعهد شد ریسک افزایش هزینه و تأخیر در اجرای طرح را تقبل کند؛ به همین دلیل این شرکت با وجود سرمایه‌گذاری ۴۵ میلیون دلاری، از قرارداد مشترک اجرای این فاز خارج شد؛ این در حالی است که اجرای تقریباً تمامی طرح‌های صنعت

نفت توسط شرکت‌های داخلی با صرف هزینه‌های چندبرابری و در زمانی بسیار بیشتر از زمان تعیین‌شده در قرارداد انجام می‌شود و در تمام این مدت شرکت ملی نفت ایران باید هزینه‌های مازاد را تقبل کند.

۷- در پاسخ به بخشی از بهانه‌جویی‌ها درباره اینکه چرا وزارت نفت، پیمانکار حاضر در طرف قطری را برای توسعه این میدان مشترک در نظر گرفته بود که معمولاً با این ادله مطرح می‌شود که قطعاً به دلیل جذابیت بالاتر قرارداد توتال در قطر، این شرکت از اطلاعات کسب‌شده در طرف ایران، برای بهبود تولید در سمت قطر می‌تواند استفاده کند، باید گفت تمامی قراردادهای منعقدشده صنعت نفت با طرف‌های خارجی شامل قرارداد محرمانگی جداگانه‌ای نیز می‌شود. امضای قراردادهای محرمانگی یک روال متداول جهانی است و اگر غیر از این باشد، عملاً نمی‌توان به هیچ شرکت دیگری اعتماد کرد. قراردادهای نفتی میان ایران و توتال نیز از این امر مستثنا نبوده است و چنانچه تخلفی در زمینه بهره‌برداری غیرمجاز از پروژه‌های نفتی ایران به نفع کشورهای دیگری مانند قطر از سوی این شرکت انجام شده بود، قطعاً به غیر از جریمه‌های مالی، امکان حضور مجدد این شرکت در قراردادهای صنعت نفت ایران ممکن نمی‌شد.

با نگاهی منصفانه به عملکرد وزارت نفت کشورمان در واگذاری پروژه‌های این صنعت مادر به بخش خصوصی این نکته داعی می‌شود که هیچ‌گاه فضا برای حضور شرکت‌های ایرانی در پروژه‌های صنعت نفت کشورمان محدود نشده است و حتی با وجود کاستی‌های فنی و مالی، این شرکت‌ها هیچ‌گاه از گود واگذاری پروژه‌های صنعت نفت بیرون نبوده‌اند. بدون شک عدم موفقیت این شرکت‌ها در جلب اعتماد ملی، ریشه در توانایی آنها و عمل به تعهدات خود دارد؛ در این زمینه می‌توان به دور نخست تحریم‌ها اشاره کرد که متأسفانه با وجود اظهارات بسیاری از دولتمردان درباره تبدیل تهدید تحریم‌ها به فرصت نتوانستیم این‌طور که شایسته بود، عمل کنیم و از این رهگذر بسیاری از فرصت‌هایی را که می‌توانستیم با تعاملات سازنده جهانی نصیب خود کنیم، از دست دادیم. در مجال پیش‌رو، لازم است تا هر شرکت پیمانکاری که ادعای اجرای به‌موقع و با هزینه پیش‌بینی‌شده پروژه‌های صنعت نفت را داشته باشد، در پروژه‌های نفت و گاز شرکت‌مان حاضر شود تا ضمن اثبات کفایت، بتوانند در جهت تقویت اعتماد ملی به توان داخلی نیز حرکت کند.

نسبت به سال ۹۵ رخ داد

افزایش ۲/۵ درصدی ضریب جینی در سال ۹۶

● براساس گزارش سازمان برنامه و بودجه کشور، ضریب جینی در سال ۹۶ به ۰.۳۹۸۱ رسید که نسبت به سال ۹۵ حدود ۲.۵ درصد رشد دارد؛ این در حالی است که مطابق با ماده ۳ قانون برنامه ششم توسعه، این ضریب باید کاهش یابد. به گزارش فارس، طبق گزارش سازمان برنامه و بودجه کشور ضریب جینی در سال ۹۶ به ۰.۳۹۸۱ رسید که نسبت به سال ۹۵ بالغ بر ۲.۵ درصد رشد دارد؛ یعنی شکاف طبقاتی از سال ۹۵ نسبت به ۹۶ حدود ۲.۵ درصد بیشتر شده است. مطابق با بند ۱۴ سیاست‌های کلی نظام و تحقق کامل هدفمندسازی یارانه‌ها در جهت افزایش تولید، اشتغال و بهره‌وری، کاهش شدت انرژی و ارتقای شاخص‌های عدالت اجتماعی و تأکید قانون برنامه ششم توسعه در مورد کاهش نابرابری و در راستای بهبود توزیع درآمد، سعی شده است تا کاهش نابرابری، بهبود رفاه اجتماعی و افزایش درآمد از طریق اقدامات اساسی متناسب با آن بهبود و تداوم یابد. همچنین در ماده ۲۶ قانون برنامه ششم توسعه بر رقابت‌پذیرکردن عدالت بین‌منطقه‌ای و سرزمینی و تقویت خودکتابکی و افزایش انگیزه در استان‌ها، از طریق افزایش اختیارات استانی درخصوص طرح‌های قابل واگذاری تأکید شده است. در همین ارتباط، مطابق ماده ۳ قانون برنامه ششم توسعه در سال پایانی برنامه، ضریب جینی کل کشور باید به عدد ۰.۳۴ برسد. برای دستیابی به این هدف در پایان سال ۱۴۰۰، باید ضریب جینی کل کشور به طور متوسط سالانه ۰.۰۳۸ واحد کاهش یابد، این برآورد و محاسبه بر مبنای نتایج سال ۱۳۹۶ است.

باوجودتحریم‌ها؛

تراز تجاری کشور در ۹ ماهه امسال مثبت بوده است

● وزیر امور اقتصادی و دارایی گفت: با وجود تحریم دشمنان و انواع محدودیت‌ها، تراز تجاری ۹ ماهه کشور مثبت بوده است. به گزارش وزارت امور اقتصادی و دارایی، فرهاد دژئسد همچنین با اشاره به کاهش نرخ بی‌کاری از ۱۲.۶ درصد در سه‌ماهه دوم امسال به ۱۲.۲ درصد در سه‌ماهه سوم، این امر را یکی از نشانه‌های امیدوارکننده بهبود شرایط اقتصادی در نتیجه پیگیری‌های مداوم دولت عنوان کرد.

سر رسید آژدها

انتخاب‌مدیران موفق

021-88 80 39 24-6

کابلگرام: @azadehco
اینستگرام: azadehco
وب‌سایت: www.azadehco.com